

ابوطالب، سید بطحاء و قبله‌ی قبیله

آنچه پیش‌رو دارید، هفتمین مقاله از سلسله نوشتارهای آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله العالی درباره ماه مبارک رمضان است که به مناسبت هفتم ماه رمضان، سالروز رحلت جناب ابوطالب(ره) به رشته تحریر در آمده.



آنچه پیش‌رو دارید، هفتمین مقاله از سلسله نوشتارهای آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله العالی درباره ماه مبارک رمضان است که به مناسبت هفتم ماه رمضان، سالروز رحلت جناب ابوطالب(ره) به رشته تحریر در آمده. یکی از اتفاقات تاریخی که در ماه مبارک رمضان به وقوع پیوست، وفات حضرت ابوطالب است. بنا به قول شیخ مفید قدس سره (1) در هفتم ماه رمضان سال دهم بعثت، سه سال قبل از هجرت، ابوطالب یگانه حامی و کفیل پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم وفات نمود. همان بزرگمرد ارجمندی که از اجتماع و هم‌دستی قریش و نقشه‌ها و تهدیدات و قطع روابط و آزار و اذیت ایشان بیم نداشت و تا زنده بود، با خلوص نیت، از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم حمایت کرد و به او گفت: **إِذْهَبْ يَا بَنَ أَخِي فَقُلْ مَا أَحْبَبْتَ فَوَ اللَّهُ لَا أَسْلِمُكَ لِشَيْءٍ أَبَدًا** (2)

* ابوطالب، جامع

فضایل اخلاقی

او سید بطحا، رئیس مکه و قبله قبیله بود؛ جمیع فضایل اخلاقی را دارا بود و همه به او احترام می‌گذاشتند و شخصیت و مکارم اخلاقش را می‌ستودند؛ **«عَلَيْهِ بَهَاءُ الْمُلُوكِ وَ وَقَارُ الْحُكَمَاءِ»** در رخساره او ظرافت پادشاهان و وقار حکیمان دیده می‌شد. (3) کسی که حکیم معروف عرب «اکتم بن صیفی» وقتی از او پرسیدند: «حکمت و ریاست و حکم و سیادت را از که آموختی؟» گفت: **«از خلیف علم و ادب، سید عجم و عرب، ابوطالب بن عبد المطلب»**

* خدمات ارزشمند خاندان ابوطالب به اسلام

هیچ خانواده‌ای به اندازه خاندان ابوطالب، به اسلام و پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) خدمت نکرده و خدمات هیچ کس به اندازه خدمات آنان برای دین اسلام سودمند و با ارزش نبوده است.

هنگامی که همگان، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را تنها گذاشته بودند و دفع خطر از اسلام و جان پیامبر (صلی الله علیه و آله) فقط با فداکاری و ایثار جان میسر بود، این خانواده در دشواری‌ها و سختی‌ها، پیامبر گرامی اسلام را چنان یاری دادند که بهتر از آن برای کسی مقدور نبود.

خانواده‌ای که سال‌ها پیامبر (صلی الله علیه و آله) عضو آن بود و محیط آرام و سرشار از صفا و وفا، تقوا و فضیلت، شرافت و صداقت و امانت آن، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در بر گرفته بود.

* 42 سال خدمت به پیامبر(ص)

در تاریخ یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله) کسی را جز ابوطالب نمی‌شناسیم که مدت چهل و دو سال به آن حضرت در خلوت و جلوت (میان جمع) و داخل منزل و خارج، خدمت کرده باشد و در عین حال، بهترین یار و حامی او باشد؛ به خصوص بعد از بعثت، ابوطالب با ثبات و استقامت بی‌نظیر از پیامبر (صلی الله علیه و آله) پشتیبانی کرد و او را یاری رساند.

اگر ابوطالب از آن حضرت حمایت نمی‌کرد و او را تنها می‌گذارد، یا العیاذ بالله چون دیگران به مخالفت با آن حضرت برمی‌خاست و رسالتش را تکذیب می‌کرد و استهزا و مسخره می‌نمود، به طور یقین، دین اسلام در آغاز کار اگر با شکست رو به رو نمی‌شد، حداقل تا مدتی از حرکت و پیشروی باز می‌ماند.

همان‌طور که اگر در جنگ خندق، حضرت علی علیه السلام فرزند ابوطالب به میدان نمی‌رفت و با «عمر بن عبدود» آن پهلوان و رزمنده و دلاور مشهور پیکار نمی‌کرد و او را از سر راه مسلمانان بر نمی‌داشت، پیش بینی آینده اسلام برای ما دشوار بود.

به شهادت تاریخ، حمایت ابی طالب، راه را برای پیشرفت آئین جدید باز کرد و می‌توان گفت: تأثیر حمایت او نه تنها از نصرت دین پیامبر (صلی الله علیه و آله) توسط شهدای بدر و احد و حتی برادرش حمزه علیهما السلام کمتر نیست بلکه با دقت و تأمل در تاریخ در می‌یابیم که حمایت ابوطالب از جانبازی و فداکاری آنان در حفظ دین مؤثرتر بوده است.

* ابوطالب و خاندانش؛ فدائیان پیامبر(ص)

ابوطالب و خاندانش، همه چیز محمد (صلی الله علیه و آله) بودند؛ خودش که از مؤمنین واقعی و حامی و نگهبان محمد (صلی الله علیه و آله) بود؛ زن و دخترش «امّ هانی» و فرزندان وی علی و جعفر، یار و سرباز و مدافع محمد (صلی الله علیه و آله) وسلم بودند.

«ابن ابی الحدید» در شرح نهج البلاغه می‌گوید: «در امالی ابی جعفر محمد بن حبیب خوانده‌ام که: وقتی ابوطالب پیامبر (صلی الله علیه و آله) را می‌دید، احیاناً می‌گریست و می‌گفت: زمانی که او را می‌بینم به یاد برادرم عبدالله می‌افتم که برادر پدري و مادری من بود» و نیز «ابن ابی الحدید» نقل می‌کند که: ابوطالب بسیاری اوقات از اینکه خوابگاه پیامبر (صلی الله علیه و آله)

مشخص باشد بیمناک بود و شبانگاه آن حضرت را از خوابگاهش بر می‌داشت و پسر عزیز خود علی علیه السلام را در بستر او می‌خوابانید (او را فدایی پیامبر (صلی الله علیه وآله) قرار می‌داد).
و به طور خلاصه باید گفت که علاقه و محبت ابی طالب به پیامبر (صلی الله علیه وآله) بیش از حد توصیف بوده، تا آنجا که او را از فرزندان خود عزیزتر و گرمی‌تر می‌داشت؛ و چنانچه «ابن ابی الحدید» در اشعار خود سروده، می‌توان گفت: اگر ابوطالب و فرزندش علی علیه السلام نبودند، دین برپا نمی‌شد.
ابوطالب در مکه و علی علیه السلام در یثرب، پیامبر (صلی الله علیه وآله) را یاری رساندند. ابوطالب در آغاز از پیامبر (صلی الله علیه وآله) حمایت کرد و کفالت ایشان را بر عهده گرفت و علی علیه السلام کاری را که ابوطالب در یاری دین خدا شروع کرد به پایان رساند؛ پس عجب نیست که پیامبر (صلی الله علیه وآله) در مرگ او، آن همه محزون و اندوهناک گردید.
فقدان وی، جبهه مسلمانان را شکسته و بی پناه کرد و در نهایت یکی از علل لزوم هجرت، همین مرگ او بود، زیرا با مرگ او مسلمانان و شخص پیامبر صلی الله علیه وآله، یگانه حامی خویش را از دست دادند و دشمنان در برابر آن ها جسور و گستاخ گردیدند.

* ارزش ایمان ابوطالب

همچنین از حضرت باقر علیه السلام روایت شده است که «اگر ایمان ابی طالب را در یک کفه ترازو و ایمان ابن خلق را در کفه دیگر گذارند، ایمان او سنگین تر خواهد بود» (4)
آری! مقام آن حضرت چنان رفیع بود که پیامبر (صلی الله علیه وآله) در روز رحلت آن حضرت در مصیبتش گریان شد و بسیار اندوهناک گردید و جبین راست او را چهار مرتبه مسح فرمود و جبین چپش را سه مرتبه مسح کرد؛ سپس فرمود: ای عم! در صغیری پرورش دادی و در یتیمی کفالت نمودی و در کبیری یاری ام کردی؛ خدا به تو در برابر یاری من پاداش نیکو دهد.
پیامبر (صلی الله علیه وآله) پیشاپیش جنازه او می‌رفت و می‌فرمود: صله رحم کردی و جزای نیکو گرفتی.
به طور قطع، بر همه امت اسلام لازم و واجب است که قدر خاندان ابی طالب را بدانند و خدمات و رنج و مصائب آنان را در یاری پیامبر (صلی الله علیه وآله)، نصرت دین و اعتلای کلمه توحید فراموش ننمایند.

* پی‌نوشت‌ها:

1. مسار الشيعة شيخ مفيد ره.
2. مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 53.
3. احتجاج، ج 1، ص 242؛ در رخساره‌ی او ظرافت پادشاهان و وقار حکیمان دیده می‌شد.
4. شرح نهج البلاغه «ابن ابی الحدید»، ص 338، ج 4، چاپ مصر